

مرگ یک بانوی هنرمند

ایرن زازانیس از برجسته ترین بازیگران زن سینمای پیش از انقلاب ۱۳۵۷ بود



او در بیش از ۳۰ فیلم سینمایی نقش ایفا کرد و برخی او را نخستین ستاره واقعی سینمای ایران می‌دانستند. ایرن که در سالهای آخر زندگی با بیماری سرطان دست و پنجه نرم می‌کرد، روز هفتم مرداد در تهران زندگی را بدرود گفت.

ایرن دختری ۱۶ ساله بود که با محمد عاصمی، شاعر و روزنامه نگار جوان و چپگرا ازدواج کرد. آنها به تهران مهاجرت کردند و هر دو مصمم شدند به کار تئاتر بپردازند. در زمانی که شمار هنرپیشه های زن در ایران انگشت شمار بود و

مرگ یک بانوی

خود در تئاتر سعدی به کار در سینما دعوت شد.

ایرن با بازی در فیلم های 'مردی که رنج می برد' به کارگردانی جعفری و چشم به راه به کارگردانی عطاءالله زاهد فعالیت سینمایی خود را آغاز کرد.

در شرایطی که خلاقیت هنری و شناخت فنی در سینمای ایران بسیار پایین بود، جعفری و زاهد از سینماگرانی بودند که در جهت ایجاد سینمایی سالم و متعهد تلاش می کردند.

ایرن با بازی در فیلم 'قاصد بهشت' به کارگردانی ساموئل خاچیکیان (۱۳۳۷) و 'چشمه آب حیات' (در کنار فردین به کارگردانی سیامک یاسمی) جایگاه استواری در سینمای ایران پیدا کرد و محبوبیت فراوان یافت.

ایرن به ویژه در اوایل دهه ۱۳۵۰ در آثار سینماگران وابسته به موج نو استعدادی شگرف نشان داد. بازی او در فیلم های 'خداحافظ رفیق' به کارگردانی امیر تادری، 'بلوچ ساخته مسعود کیمیایی، خروس

فسخ کرد. ایرن از آن پس در کنار لرتا و توران مهرزاد، یکی از سه زن اصلی گروه تئاتر سعدی شد.

نوشین پس از یک سال و نیم زندان، به همراه سایر رهبران حزب توده از زندان گریخت. ایرن آخرین دیدار خود را با نوشین چنین بازگویی کند:

پس از فرار سران حزب توده از زندان قصر، در زمانی که نوشین در تهران مخفیانه زندگی می کرد، در یک مهمانی کوچک در منزل آقای خیرخواه من موفق شدم آقای نوشین را ببینم. ایشان به من گفتند من خیلی خوشحالم که تو موافقتی، تشخیص من درست بود. همین طور به کارت علاقه داشته باشی و کارت را ادامه بده.

تعطیلی تئاتر سعدی نمایشنامه 'مونتسرا' نوشته امانوئل رابلس آخرین نمایشی بود که در تئاتر سعدی تهران به روی صحنه رفت.



ایرن دختری ۱۶ ساله بود که با محمد عاصمی، شاعر و روزنامه نگار جوان و چپگرا ازدواج کرد

زبان مسلمان مصر جزب می‌نزدند به روی صحنه بروند، ایرن ۱۹ ساله بود که به صورت حرفه‌ای به بازیگری در تئاتر پرداخت. او نخست در سال ۱۳۲۵ با محمد علی وثیقی، مدیر تئاتر فردوسی در خیابان لاله زار، قراردادی امضا کرد. اولین هنرنمایی او در نمایش کارمند شریف به کارگردانی استفانیان بود.

همکاری با گروه نوشین

عبدالحسین نوشین، کارگردان نامی تئاتر، پس از تیراندازی به شاه در ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ به همراه برخی از سران حزب توده ایران دستگیر شد.

چندی بعد شاگردان نوشین تئاتر سعدی را در خیابان شاه‌آباد (تهران) تأسیس کردند. اداره این تئاتر به طور رسمی با لرتا، همسر نوشین، و حسین خیرخواه، از همکاران نزدیک او بوده اما مدیر هنری واقعی تئاتر خود نوشین بود، که پیوسته با شاگردان خود تماس داشت و از سلول زندان اجراهای تئاتری را هدایت می‌کرد.

زمانی که تئاتر سعدی قصد داشت نمایشنامه «بادبزن خانم و ندرمیر» اثر اسکار وایلد را به روی صحنه بیاورد و یک هنرپیشه زن کم داشت، توجه لرتا به ایرن جذب شد که در تئاتر فردوسی بازی می‌کرد. او به همسرش نوشین از ایرن حرف زد و نوشین تقاضا کرد ایرن را ببیند.

ایرن ماجرا را چنین شرح داده است:

«موفقیت من در تئاتر فردوسی به گوش خانم لرتا رسید که قصد داشت در افتتاحیه تئاتر سعدی نمایشنامه «بادبزن خانم و ندرمیر» را اجرا کند. قرار شد خانم لرتا با راهنمایی همسرش آقای نوشین که در زندان قصر بود، این نمایش را کارگردانی کند. بنابراین به آقای نصرت کریمی و (محمدعلی) جعفری مأموریت داد که یک شب به تئاتر فردوسی بیایند و بازی مرا ببینند تا مطمئن شوند آیا حرف‌هایی که در مورد من می‌زنند درست است یا خیر.»

بدین سان نصرت کریمی و محمدعلی جعفری، از باران اصلی گروه نوشین، بازی ایرن را روی صحنه تئاتر فردوسی دیدند و